

تأثیرپذیری شعر فیض احمد فیض از زبان فارسی

دکتر محمد سفیر

مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی زبان های نوین، اسلام آباد- پاکستان

چکیده:

هیچ زبانی در دنیا نیست که اثر از دیگر زبان ها و ام نگرفته باشد. بدیهی است که همه زبان ها از یکدیگر تأثیر و تاثر پذیرفته اند. زبان فارسی و اردو هر دو از گروه زبان های هندو اروپایی هستند و روابط آنها از قدمت و سابقه ای طولانی برخوردار است. زبان اردو در وهله نخست از زبان همسایه اش واژگان زیادی را وام گرفته است. زبان اردو نه تنها از لحاظ کلمات، بلکه از ادبیات فارسی نیز تأثیرات فراوانی پذیرفته است. شاعران اردو زبان بسیاری از لغات و اصطلاحات متداول در شعر و ادب فارسی، ترکیبات، تشبیهات، تلمیحات و سایر ویژگی های آن را در شعر اردو به کار برده اند. فیض احمد فیض، شاعر بزرگ اردو نیز از زبان و ادبیات فارسی تأثیر عمیقی گرفته است. او نه فقط در پیروی فکری از شاعران فارسی زبان شعر سروده، بلکه بسیاری از اصطلاحات شعری، ترکیبات اضافی و توصیفی، محاورات، مصادر و تلمیحات زبان فارسی را نیز در شعر اردو به کار برده است.

واژه های کلیدی: فیض احمد فیض، مراودات زبانی، زبان فارسی، زبان اردو، شبه قاره.

۱- مقدمه:

زبان فارسی و زبان اردو نزدیکترین زبان های امروزی جهان هستند. اردو از زبان های آریایی هند است و از سنسکریت سرچشمه گرفته است، اما چون در محیط فارسی رشد کرده شدیداً تحت تأثیر فارسی قرار گرفته است. این تأثیر خصوصاً در ادبیات اردو به گونه ای است که شعر اردو را پرتوی از شعر فارسی گفته اند.

به گفته یکی از دانشمندان ادبیات «اردو در زیر بال شعر فارسی پرورش یافته و از مادر خوانده خود نظم و نثر، سبک و مضمون، بحر و قافیه و شکل و قافیه را به ارث برده و از لحاظ الفاظ، اردو کاملاً از فارسی سرمایه گرفته است». (شبلی، ۷۵) تقریباً شصت در صد کلماتی که در اردو به کار می رود فارسی اند. اردو نه فقط از فارسی اسم ها و صفات را وام گرفته است، بلکه بسیاری از حروف و قیود، پیشوند ها و پسوند ها، امثال و حکم، استعارات و تشبیهات، تمثیلات و تلمیحات فارسی را نیز وام گرفته است. از لحاظ ساختمان زبان اردو به زبان های هندی نزدیکتر است تا به زبان های ایرانی؛ با این همه فارسی در ساختمان اردو نیز تأثیری از خود بر جای گذاشته است.

فیض احمد فیض، شاعر و متفکر بزرگ از جمله شخصیت های معدود ادبی پاکستان است که نه تنها در قلمرو ادبیات اردو از شهرتی کم نظیر برخوردار بود، بلکه در خارج از کشور نیز چهره ای شناخته و آشنا بود. فیض احمد فیض بعد از غالب دهلوی و علامه اقبال لاهوری بزرگترین شاعر اردو زبان محسوب می شود. فیض در سال ۱۹۱۱م در شهر سیالکوت یکی از شهرهای استان پنجاب به دنیا آمد. ایام کودکی و نوجوانی را در زادگاهش گذراند و در آن شهر مقدمات علوم عصر خویش را از معلمان برجسته آن زمان

مانند شمس العلماء، سید میر حسن، و پروفیسور یوسف سلیم فرا گرفت. وی در سال ۱۹۳۰ با زنی بریتانیایی به نام آلیس ازدواج کرد. فیض با درجه سروان در ارتش استخدام شد و به درجه سرتیپی رسید. وی در سال ۱۹۴۵م از ارتش استعفا داد و به لاهور برگشت. فیض بیش از چهار سال از عمر خود را در زندان سپری کرد، اما تهمت‌ها علیه او هیچ گاه به اثبات نرسید. وی چند سال با خانواده خودش در لندن گذراند و پس از بازگشت در یکی از دانشکده‌های کراچی سمت ریاست را به عهده گرفت و سرانجام در لاهور درگذشت. (امتیاز حسین، ۹: ربیعہ فخری، ۴۲)

مهمترین آثار او عبارتند از:

- نقش فریادی (۱۹۴۱م)
- دست صبا (۱۹۵۳)
- زندان نامه (۱۹۵۶م)
- سر وادی سینا (۱۹۷۱م)
- شام شهریاران (۱۹۷۹م)
- میرے دل میرے مسافر (۱۹۸۱م)
- نسخه‌های وفا (کلیات)

۲- تأثیر پذیری شعر فیض از ادبیات فارسی:

شعر فیض بسیار لطیف، ساده و در فهم عموم مردم است. وی در کار برد تشبیهات و استعارات توان بسیاری دارد. وی استادانه افکاری تازه و گران مایه را در اشعارش مطرح کرد و در عین حال در استعمال اصطلاحات و تعبیرات شعری فارسی بی نظیر بود. او به شعر اردو به ویژه غزل جلوه ای تازه ای بخشید. فیض زبان فارسی را خوب می دانست و با ادبیات فارسی آشنایی کامل داشت که دیوانش شاهد آن است. وی به زبان شیرین فارسی علاقه فراوان داشت. همین دلبستگی و اثر این زبان موجب شد که فیض یک نعت را کاملاً به زبان فارسی بسراید.

ای تو که هست هر دل محزون سرای تو آورده ام سرای دگر از برای تو
خواجه به تخت بنده تشویش ملک و مال برخاک رشک خسرو دوران گدای تو
آنجا قصیده خوانی لذات سیم و زر اینجا فقط حدیث نشاط لقای تو
آتش فشان ز قهر و ملامت زبان شیخ از اشک تر ز درد غریبان ردای تو
باید که ظالمان جهان را صدا کند روزی به سوی عدل و عنایت صدای تو

فیض، ۷۲۳

با مطالعه دقیق دیوان فیض پی می بریم این شاعر خوش قریحه از ادبیات فارسی ایده گرفته و اشعار فارسی را به طور تضمین در اشعارش به کار برده و یا مفهوم و معنی بعضی از اشعار شعرای نامی زبان فارسی را با معنی و مفهوم تازه ای در اشعار خودش

گنج‌انیده است. فیض از اشعار معلم اخلاق و شیرین سخن، شیخ سعدی شیرازی الهام می‌گیرد و با به کارگیری بیانات وی در اشعارش معنی را جلوه ای تازه می‌بخشد.

سعدی می‌نویسد:

«یکی از شعرا پیش امیر دزدان رفت و ثنایی برو بگفت. فرمود تا جامه ازو برکنند و از ده بدر کنند. مسکین برهنه به سرما می‌رفت، سگان در قفای وی افتادند خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند در زمین پخ گرفته بود عاجز شد. گفت این چه حرامزاده مردمانند سگ را گشاده‌اند و سنگ را بسته...» (سعدی: ۱۳۸۳ ه. ش، باب چهارم، ص ۱۲۵)

فیض همین مطلب را چنین مطرح کرده است:

ہے اہل دل کے لیے اب یہ نظم بست و گشاد کہ سنگ و خشت مقید ہیں اور سگ آزاد
(فیض، ۱۶۱)

همچنین فیض از شعر امیر خسرو دهلوی عارف و شاعر بزرگ فارسی هند که از موسیقی دانان مشهور عهد خود محسوب می‌شد بهره جست. امیر خسرو در نظم و نثر استاد بود و آثار بسیار گران بها را از خود باقی گذاشته است. فیض لغات و مفهومی یکی از غزل‌های معروف امیر خسرو دهلوی را در اشعارش بسیار خوب مطرح کرده است. امیر خسرو می‌گوید:

خبرم رسید امشب که نگار خواهی آمد سر من فدای راهی که سوار خواهی آمد

(دهلوی، خسرو، گنجور، ۲۷۹)

در یک نسخه دیگر دیوان امیر خسرو دهلوی با کمی اختلاف شعر مزبور چنین آمده است:
خبرم رسید کامشب سر یار خواهی آمد سر من فدای آن راه که سوار خواهی آمد

(دهلوی، امیر خسرو، ۱۳۶۱: ۲۱۸)

فیض می گوید:

دل و جان فدای رابی کہی آ کے دیکھ بدم سر کوی دلفگارن شب آرزو کا عالم

(فیض، ۳۸۰)

فیض بر شعر حافظ شیراز ہم نظر داشت . وی حافظ شیراز را خواجه خود گفته

است و تحت تأثیر افکارش قرار گرفته است. وی در جواب یکی از غزل های حافظ، غزلی

به زبان اردو سروده و آن را به خواجه شیراز تقدیم می نماید:

حافظ:

فیض می فکن بر صف رندان نظری بہتر از این بر در می کدہ می کن گذری بہتر از این

در حق من لبت این لطف کہ می فرماید سخت خوبست و لیکن قدری بہتر از این

آنکہ فکرش گرہ از کار جہان بگشاید گو درین کار بفرما نظری بہتر از این

ناصرم گفت بہ جز غم چہ ہنر دارد عشق برو ای خواجه عاقل ہنری بہتر از این

دل بدان رود گرامی چہ کنم گر ندہم مادر دہر ندارد و پسری بہتر از این

من چو گویم کہ قدح نوش و لب ساقی بوس بشنو از من کہ نگوید دگری بہتر از این

(حافظ، ۲۷۹)

قند دہن، کچھ اس سے زیادہ لطف سخن کچھ اس سے زیادہ

فصل خزان میں لطف بہارن برگ سمن کچھ اس سے زیادہ

حال چمن پر تلخ نوائی مرغ چمن، کچھ اس سے زیادہ
 دل شکنی بھی، دلداری بھی یاد وطن کچھ اس سے زیادہ
 عشق میں کیا ہے غم کے علاوہ خواجہ من کچھ اس سے زیادہ
 (فیض، ۶۶۲)

جای دیگر فیض یک شعر حافظ را چنین تضمین می کند:

یہ شعر حافظ شیراز، اے صبا کہنا ملے جو تجھ سے کہیں وہ حبیب عنبر دست
 "خلل پذیر بود هر بنا که می بینی بجز بنای محبت که خالی از خلل است"
 (فیض، زندان نامہ: ۴۸)

عرفی شیرازی نیز از شاعرانی است کہ فیض بہ شدت تحت تأثیر او بوده است.
 عرفی شیرازی شاعر توانا و خیال پرداز قرن دہم ہجری است کہ توانست زمینہ ساز رواج
 سبکی تازہ در شعر فارسی شود. دربارہ کلام عرفی در پارسی گویان ہند و سند چنین آمدہ:
 « قوت کلام، تازگی و ابتکار لغات و تشبیہات و استعارات ظریفہ و تسلسل مضامین از
 مختصات و ممیزات سخن اوست و در ایجاد معانی و عنویت الفاظ قدرتی کم نظیر
 دارد.» (سدارنگانی، ص، ۵۹) فیض تحت تأثیر این شاعر شیرین سخن کہ نظمیں عنویت و
 نثرش خاصیت فرات و نیل داشت نیز قرار داشت. شعری زیر شعر بسیار معروفی است کہ
 بہ عرفی نسبت داده شدہ است و فیض نیز آن را بہ اردو آوردہ است:

عرفی تو میندیش ز غوغای رقیبان آواز سگان کم نکند رزق گدا را
 فیض:

گھر ریے تو ویرانی دل کھانے کو آوے رہ چلیے تو ہر گام پہ غوغای سگاں ہے

(فیض، ۴۱۷)

از میان صنایع ادبی ادبیات فارسی فیض بیش از همه به تلمیحات ایرانی علاقه دارد. «تلمیح اشاره به داستان، یا قصه، یا آیه و حدیث است در شعر.» (همای، ۱۳۵) یکی از صنایع شعری است که از رودکی گرفته تا شاعران امروز از این صنعت شعری استفاده کرده اند. استعمال فراوان صنعت تلمیح یکی از ویژگی های سبک هندی است. فیض نیز از این صنعت بسیار بهره جسته است و تلمیحاتی که در زبان و ادبیات فارسی به کار رفته اند در اشعار خود آورده است:

ان طوق و سلاسل کو ہم تم، سکھلائیں گے شورش بریط و نے
وہ شورش جس کے آ کے زبون ہنگامہ طبل قیصر و کے
(فیض، ۱۲۵)

سر خسرو سے ناز کجکلابی چھن بھی جاتا ہے
کلاہ خسروی سے بوئے سلطانی نہیں جاتی
(فیض، نقش فریادی ۸۲:)

فیض تلمیحات معروف بسیاری به داستانهای خسرو، جم، دارا، لیلی، مجنون، شیرین، فرهاد، اسکندر، یوسف و غیره دارد که همگی یا در اصل ایرانی هستند یا تلمیحات اسلامی هستند که در ادبیات فارسی به وفور به کار رفته اند و به این اعتبار می توان آنها را مختص زبان و ادب فارسی دانست.

۲- تأثیر پذیری شعر فیض از زبان فارسی:

فیض مانند ادبیات غنی فارسی از زبان فارسی نیز تأثیر گرفته است و در اشعارش بسیاری از کلمات، لغات، قیود، صفات و حروف فارسی را به نحو احسن به کار برده است:

۳، ۱. ترکیبات فارسی:

استعمال ترکیبات شیرین زبان فارسی یکی از پر کاربرد ترین ساختارهای شعری در شعر شاعران اردو زبان است. فراوانی این ترکیبات گاه شعر شاعر او را تبدیل به نوعی ملمع فارسی و اردو می کند، یعنی شعری که نمی از آن فارسی و نمی دیگر اردو است. ترکیبات وصفی و اضافی فارسی مورد توجه فیض نیز قرار گرفته است. وی بسیاری از ترکیبات اضافی و توصیفی زبان فارسی را در اشعار خود به کار برده است:

پیوند ره کوچه زر چشم غزالان یا بوس بوس افسر شمشاد قدان ہے

(فیض، ۴۱۷:)

عرصہ دہر کے ہنگامے تہ خواب سہی گرم رکھ آتش پیکار سے سینہ اپنا
(فیض، نقش فریادی، ۳۹)
چشم میگون زرا ادھر کر دے دست قدرت کو بے اثر کردے
(ہمان، ۴۹)

به طور نمونه چند ترکیب فارسی از اشعار فیض این جا نقل می شود.
بادہ ناز، خواب ناز، جلوہ بہار، افشای راز، فروغ نور، شورش گیتی، کام نہنگ، عرصہ
دہر، آرزوی جمیل، جوی درد، دیدہ نمناک، قلقل می، هجوم شوق، واماندہ الفت، آزرده

خزان تمام ہوئی کس حساب میں لکھیے بہار گل میں جو پہنچے ہیں شاخ گل کو گزند
(فیض، سر وادی سینا، ۷۷)

بہار، سیل شمیم، می گلنار، چشم میگون، حریم هوس، آمد صبح، رخ زرد، مضمحل حیا،
حریف بہار، انبار ستم، خورشید جھانتاب، دیوار قفس، شعلہ جوالہ تند و تیز، ناز کج
کلاهی، حسن دل آرا، نغمہ جراح، سفینہ غم، نشاط وصل، نگار صبا، شیرینی لب،
خوشبوی دهن، گلگشت نظر، کج قفس، شورش بریط و نی، حدیث عشق، حریفان بادہ
پیما، مرغ غزلخوان، دست صبا، ناوک دشنام، دست بہانہ جو، روزن زندان، رند خرابات،
آتش جزّار وغیرہ.

۳.۲. لغات قافیه فارسی:

فیض برای آودن قافیه بسیار از کلمات فارسی استفاده کرده و لغات هم وزن فارسی را در
بعضی از غزلیات اردو به عنوان قافیه آورده است.

برخی لغات قافیه فارسی به کار رفته در کلیاتش از این قبیل اند:

ارزانی، خوانی، فروش، بدوش، دوران، غلطان، نوحه کنان - گلفام، ایام، هنگام-
عذاران، بہاران، یاران، خواران، کناران، باران، پیوند، پابند، سوگند، کند، گزند، مانند، بلند.

۳.۳. لغات فارسی :

به عقیده زبان شناسان در زبان اردو شصت در صد کلمات فارسی است، لیکن بعضی
از این واژه ها معنی اصلی خود را از دست داده و معانی تازه ای یافته اند. ویژگی فیض این
است که واژگان فارسی ای را که انتخاب کرده است در معنی حقیقی خود به کار برده است.
برای مثال او در بیتی می گوید:

اب کوچہ دلبر کا رہرو، رہزن بھی بنے تو بات بنے پہرے سے عدو ٹلتے ہی نہیں اور رات برابر جاتی ہے

(فیض، ۲۶۷)

از جملہ لغات فارسی پر کاربرد در دیوان فیض می توان به موارد زیر اشاره کرد:

پندار، قندیل، گلو، کاهش، دیدہ، فشرده، لرزش، خزینہ، خاک نشین، وارفتہ، کوچہ، رعنائی، بام، راہرو، داد، گفتار، آہنگر، امسال، سوز و گداز، گران، آویزہ، دل آویز، تشنہ، سوختہ، زندان، درمان، ستیز، گلچین، امروز، فردا، ساعت، خجل، گزند، کوتہ (کوتاہ)، فروزان، گریزان، سبک، گران، رہزن، خروشان، نالہ، دشنام، بی دادگر، خستہ تن، خوشوقت، ناگهان، نشتر، سبو، سم، چوب، سنگ، تازیانہ، در یوزہ گر، تابان وغیرہ۔

۳-۴ جمع فارسی:

علامت جمع فارسی پسوند «ها» و «ان» است کہ با روش جمع بستن در زبان اردو فرق دارد، اما فیض با دست توانای خود از جمع های زبان فارسی نیز بہرہ بردہ و شعر خود را از شعر دیگر شاعران زبان اردو جدا و یگانہ ساختم است۔

شعر:

جگر کی آگ نظر کی امنک دل کی جلن کسی پہ چارہ ہجران کا کچھ اثر ہی نہیں

(فیض، ۱۱۸)

لہو دینے لگا ہر اک دہن میں بجیہ لبِ با چلا پھر سوئے گردون کاروان نالہ شبِ با

(فیض، ۶۵۲)

۳-۵ قید:

گذشتہ از اسامی های فارسی، قیود بسیاری نیز از زبان فارسی بہ زبان اردو راہ یافتہ اند و فیض از این قید ہا در اشعارش استفادہ کردہ است:

جن کے چنگل میں شب و روز ہیں فریاد کناں سنگ و فولاد سے ڈھالے ہوئے جنات گراں
(فیض، دست صبا، ۸۷)

پر کاربردترین قیود مورد استفاده فیض عبارتند از:

دیروز، امروز، امسال، سحرگه، رقصان، لرزان، گریزان، یک به یک، روز و شب، فریاد کناں، نوحه کناں وغیره.

6-3 شبه جمله و ندا :

بسیاری از شبه جمله ها و اسامی مورد ندا نیز در اشعار فیض فارسی هستند:
برای نمونه:

مبادا، خوشا، ساقیا، مطربا، ناصحا، خداوندا.

مبادا اجنبی دنیا کی ظلمت گہر لے تجھ کو مری جاں اب بھی اپنا حسن واپس پھر دے مجھ کو

(فیض، نقش فریادی، ۲۴)

۲- نتیجه:

بررسی شعر فیض به روشنی مؤید این مطلب است که فیض از زبان فارسی همچون زبان مادری خویش به شدت تأثیر گرفته است. این تأثیر نه تنها در لحن کلام، بلکه در وزن، مضمون، محتوی، ترکیبات، لغات، تلمیحات و گاه ردیف پردازی ها و قافیه سازی های همسان نمایان است. زبان فیض با وجود تأثیر پذیری عمیق از فارسی؛ ساده، روان و درخور فهم عموم مردم است. شعر وی زبانی نرم و آهنگی دلنشین دارد. فیض به زبان و ادبیات فارسی دل بستگی عمیقی داشت و از این زبان تأثیر زیادی گرفته بود، بنابر این یکی از ویژگی های مهم شعرش آمیختگی با تعبیرات، اصطلاحات، لغات و تلمیحات فارسی است. این امر باعث شده است که شعر فیض در بعضی جاها کاملاً رنگ و بوی شعر فارسی بدهد. وی بسیاری از اشعار شاعران فارسی زبان را تضمین کرده است و در اشعارش از شاعران نامور زبان فارسی نام برده است.

کتابشناسی منابع:

- امتیاز حسین [۱۹۹۳م]، فیض صاحب اور شخصیت، ناشر، محمد فیاض لاهور،
- حافظ، خواجہ شمس الدین [۱۳۶۷ھ ش]، دیوان حافظ، بہ اہتمام، محمد قزوینی، چاپ افست گلشن، تہران.
- دہلوی، امیر خسرو، غزل ۲۷۹، گزیدہ ناقص، گنجور.
- دہلوی، امیر خسرو [۱۳۶ش]، سعید نفیسی، با ہمت و کوشش م - درویش، سازمان انتشار جاوید، ج دوم۔
- ربیعہ فخری، [۲۰۰۶م] فیض احمد فیض کی شاعری اور شخصیت، بہ اہتمام، ثریا فخری سعید، ناشر، عبدالقادر.
- سدارنگانی، [۱۳۵۵ش] ہرومل، پارسی گویان و ہند و سند، بنیاد فرہنگ ایران۔
- سعدی، مصلح بن عبداللہ، [۱۳۸۳ش] بہ اہتمام، محمد علی فروغی، چ سیزدہم، سپہر، تہران.
- شبلی، محمد صدیق خان، [۱۳۷۰ش] تأثیر زبان فارسی بر زبان اردو، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد،
- فیض، احمد فیض، [بی تا] کلیات نسخہ های وفا، انتشار کاروان، لاهور.
- فیض، احمد فیض، [بی تا] دست صبا، انتشار کاروان، لاهور۔
- فیض، احمد فیض، [بی تا] زندان نامہ، انتشار کاروان، لاهور.
- فیض، احمد فیض، [بی تا] سر وادی سینا، انتشار کاروان، لاهور.
- فیض، احمد فیض، [بی تا] نقش فریادی، انتشار کاروان، لاهور.

- همایی، جلال الدین، [۱۳۷۸ ش] فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما، تهران.